

نگاهی به پیامد های انکشاف اوضاع در افغانستان زد و بندهای پشت پرده با طالبان و سردرگمی سیاستمداران



نویسنده: فاتح سامع
استاد پیشین دانشگاه کابل

ترامپ می خواهد با امضای توافقنامه صلح با طالبان در حضور ناظرین شورای امنیت سازمان ملل متحد، نمایندگان کشورهای همسایه افغانستان و حامیان طالبان در جهان غرب گویا دستاورد بزرگ سیاسی را در آستانه محاکمه اش ثبت اوراق تاریخ فعالیت هایش نماید.

رقابت های جاری در خاور میانه و افغانستان مایه نگرانی است. اگر واقعا معامله با طالبان شکل گیرد و ادامه یابد، ما در سیاست کشور های همجوار افغانستان و جهان شاهد تغییرات همسویی و مخالفت های تازه با گروه طالبان و در مجموع با حامیان و مخالفان شان خواهیم بود، که در نحوه و استراتژی جنگ و حمایت از گروه های دهشت افکن در افغانستان با توجه به منابع تسلیحاتی، لوجستیکی و مالی شان نیز تغییرات چشمگیری رونما خواهد شد.

روشن است که بعد از پیدایش گروه طالبان و احزاب جهادی در پاکستان و ایران غالبا عملکرد و برنامه ی شان مستقیما زیر نظارت سازمان استخبارات نظامی آن کشورها برنامه ریزی و پیاده می شد. در هنگام اقامت خود احزاب جهادی در پاکستان و ایران زیر نظارت استخبارات آن کشورها به مثابه ی بازیگران اصلی جنگ بر علیه حکومت افغانستان زیر حمایت شوروی وقت فعالیت می نمودند. ناگزیر باید هماهنگ با سیاست خارجی و نظامی آن کشور و اعمال تخریبی را بر علیه رژیم های حاکم در افغانستان یکی پس از دیگری انجام می دادند. بعد از روی کار آوردن گروه طالبان پاکستان به همان شیوه فعالیت های تخریبی را بر ضد حکومت مجاهدین که خود حامی و سازنده آن بود ادامه داد.

شواهد حاکیست که پاکستان همواره و پیوسته، بنا بر شرایط خاص گروه ای را بیشتر در ترکیب رهبری دهشت افکنان تجهیز تسلیح و پشتیبانی میکند که مزدور و خود فروخته مطیع و گوش به فرمان باشند. با نظر داشت همین پالیسی استخبارات پاکستان، گروه های دهشت افکن را از زمان جهاد بر علیه حاکمیت ح د خ ا در تفاهم و هدایت مستقیم کشور های غربی در رأس انگلیس و ایالات متحده امریکا عربستان و قطر بازنگری کرده و مطابق منافع خود در افغانستان در ترکیب و تشکیل شان تغییرات را رونما ساخته است.

پس از گذشت ایام تعدادی از گروه های دهشت افکن به نیت شوم نظامیگران پاکستان پی برده اند. در صدد رهایی از حیطه ی کنترول ان ها پرچم نا فرمانی بر افراشته و با استقلال عمل در انجام عملیات در افغانستان پرداخته اند. منظور از بخشی از افراد طالبان است که اکنون با ایران و روسیه سازش کرده و در جنگهای سوریه علیه داعش مورد استفاده قرار می گیرند.

استفاده از گروه طالبان بر ضد داعش در سوریه با ژرف نگری ویژه و دسترسی به اطلاعات وسیع در زیر با استناد گزارش های جدید بطور عمیق و همه جانبه بازتاب داده شده است. قابل یادمانی است که اراکین رژیم دست نشانده امریکا در کابل اکنون در یک بازی جدید استخبارات خارجی در گیر مانده اند. با اظهارات «جنگ افغانستان بسیار پیچیده و استخباراتی است» نمی توان به عمق مسأله ای پیچیدگی پرداخت؛ بلکه موشگافی و تحلیل همه جانبه ی قضیه مستلزم اتخاذ تدابیر سیاسی نظامی و راهبردی است که در بازنگری و با توجه با جهت گیری های جنگجویان و سایر عناصر دهشت افکن و حامیان شان باید طرح و تدوین شود.

اما در جو حاکم ، در وجود رهبران کنونی دست نشاندهد وبی کفایت چنین ابتکاری را نمی توان انتظار داشت .
بخصوص اینکه در وزارت های افغانستان افراد فاسد بنا بر روابط شخصی وابستگی با زور گویان دهشت افگنان
ومافیای قدرت جاسازی شده اند. انکشاف اوضاع غیر قابل پیشگویی بوده و با گذشت هر روز به دلیل مداخلات
تقابل و معاملات پیدا و پنهان واستخبارات خارجی رقیب در منطقه وفرانطقه ، بخصوص در افغانستان ابعاد
گوناگون وخطرناک به خود میگیرد

تشدید درگیری نظامی، رقابت های سیاسی وزدوبند های که با گذشت هرروز درمنطقه خاور میانه وخلیج بخصوص
سوریه وعراق وکشور های عربی، فلسطین واسراهیل شکل میگیرد درروند تشکل انتلافات و توافقات میان روسیه
. ، سوریه وایران و پاکستان ازیک طرف وهمکاری روسیه وچین وپاکستان ازطرف دیگر بی تاثیر نبوده است

فقدان پالیسی واستراتژی در دولت افغانستان و حضور فعال حامیان دهشت افگنان طالبی وحزب اسلامی به مثابه
نوکران خود فروخته پاکستان در داخل نظام ، دولت افغانستان را روز تا روز در مهار کردن فعالیت دهشت افگنان
عاجز وناتوان ساخته است. به خصوص حضور جاسوس های پاکستان در رده های بالا در وزارت های امنیت داخله
ودفاع مردم افغانستان را در یک مرگ تدریجی وجمعی مواجه ساخته است. به همین دلیل پاکستان به مثابه ی تخته
خیز تجاوز ودهشت افگنی در افغانستان قادر شده تا در هرزمان گوی سبقت را در عرصه سیاسی ونظامی در
توجیه مداخلات در امور افغانستان در معادلات چند بعدی برای بسیج گروه طالبان علیه داعش ازمامداران بی
کفایت افغانستان برپاید که ادامه وضع کنونی موجب نگرانی شهروندان افغانستان در داخل وخارج کشور گردیده
است.

-چند نقطه را در مورد این بازی ها وزدوبند ها نباید نادیده انگاشت که بر پیچیدگی وضع افزوده است

کشور های همسایه ما طور عموم به حضور نظامی امریکا در افغانستان خرسند نیستند- ➤

پاکستان روسیه، چین و ایران حضور امریکا را به منافع دراز مدت واستراتژیک خود نمی پندارند - ➤
هند به خاطر کاهش نفوذ پاکستان و چین به حضور نظامی امریکا در افغانستان چندان مخالفت ندارد با وجودیکه -
قرار معلوم برطالب های ضد دولت پاکستان به خاطر مساله ی کشمیربا هند همکاری دارد و کوشش میکند پاکستان
را در نظر امریکا به کشور حامی ومولد دهشت افگنی تجرید کند

. عدم موجودیت حزب نیرومند ملی وغیر وابسته به شبکه های استخبارات خارجی معضل عمده است ➤
در افغانستان انقطاب وانشعاب احزاب چپی وراستی معمولاً به خاطر یخ می دهد که احزاب مشکل تشکیلاتی دارند،
رهبر محور هستند. رهبر ها به کیش شخصیت به مرور ایام مبدل می شوند. رهبر ها عقل کل اند به مجرد مرگ
طبعی ویا اتفاقی شان تمام شیرازه احزاباز هم می پاشد وبه گروه های کوچک ورقیب همدیگر مبدل می شوند.
این گروه ها تمام وقت خود را در وصف رهبر سابق توصیف وتعریف غم واندوه ضایع می سازند در حالیکه در
وجود رهبران هم معجزه صورت نگرفته بود که صلح وامنیت ورفاه همگانی را شاد باشیم. گروه های انشعابی
در نتیجه موجودیت واستفاده از امکانات مالی کشور های کمک کننده به قوت های اقتصادی مبدل می شوند ، حیثیت
مرشد وپیشوا را اختیار می کنند، احزاب بدون توجه به بازسازی ساختاری وتشکیلاتی و شمولیت وارتقای کادر های
فعال در رده های بالا به دلیل کبرسن ویا حوادث طبعی بعد از مرگ رهبران خویش درجهت ضعف واضمحلال
حرکت می کنند

ویا به مرور ایام کارایی وموثریت خود را ازدست می دهند وعدم موجودیت رهبران و افراد کلیدی را در ناتوانی
خود در مقابل چالش جدید توجیه میکنند. همه به دوریک نفر جمع می شوند ودر عدم آن عقل کل، به دسته های
کوچک ،ضعف رهبری وراهبردی دچار می شوند. علاوه، بنا بر ساختار سنتی وقبیله ای جامعه در کشور ما در میان
خود گروه های منشعب بیشتر اعضا بر وابستگی های قومی زبانی ومحلی اتکا ومیلان نشان می دهند

- روسیه تلاش دارد تا انتقام شکست خود را در افغانستان از امریکا بگیرد زیرا کمک های نظامی سیاسی ➤
ومالی امریکا وهمپیمانان اش در زمان جنگ با روس ها یگانه عامل مهم پیروزی مجاهدین وشکست
حکومت زیر حمایه شوروی وقت بود. ،شکی نیست که نیروهای چندین گروهی مجاهدین در جنگ نقش خود
را بازی کردند اما بدون کمک های مالی ونظامی وسیاسی امریکا پاکستان عربستان وایران پیروزی مجاهدین
در شاخ آهو بود

طالب ها به چند دسته تقسیم شده اند مانند همه احزاب چپ وراست

طالب های که عملاً در افغانستان درانتحار انفجار و دهشت افگنی بر علیه مردم و دولت در جنگ اند و به حمایت پاکستان و عربستان و ممکن تا حدودی ایران، حضور فعال دارند. بسیاری دیگر با حزب اسلامی برخی با دولت و گروه هم با ایران و روسیه در تماس هستند. در تمام ارگان های دولت حامیان و هواخواهان شان فعال اند.

اما نباید فراموش کرد که پاکستان به حیث بازیگر شاید و مکار در هر دو طرف معادله در افغانستان نقش فعال دارد. پاکستان بدون پیروی از دستور انگلیس و امریکا نمی تواند به حیات خود ادامه دهد و در عدم حمایت و کمک مالی غرب و عرب تجزیه می شود.

مهمتر اینکه همه جوانب درگیر جانبدار ادامه نا امنی و جنگ در افغانستان هستند

به دلیل آنکه تدوام دهشت افگنی در افغانستان زمینه ی دوام نا آرامی را در کشور های روسیه ایران چین مساعد می سازد تا در عرصه اقتصادی و سیاسی توان رقابت با امریکا و غرب را از دست بدهند. به هر پیمانیه که نارامی در افغانستان اوج گیرد ذهنیت ها از چپاول مواد زیرزمینی اش نیز منحرف می شود. خلاصه در وجود نظام بوسیده و بی کفایت کنونی مردم افغانستان برای سال ها تدوام جنگ را شاهد خواهند بود که شاید چند نسل را بلع کند. رژیم های دست نشانده ی امریکا، هردو غنی و کزری

در عمل و نظر حضور طالب ها را در ترکیب دولت زیر عنوان صلح هر چه پر رنگتر می خواهند.

شواهد حاکیست که از طریق هوایی کمک های لجستیکی و وسایل نجات در موقع شکست کامل طالب ها در نبرد با نیرو های اردوی ملی از طرف امریکایی ها فراهم شده است. در عمل و گفتار امریکا مانند پاکستان مناققت دیده می شود و ادامه جنگ را به منافع خود می داند تا حضور دراز مدت خود را در افغانستان توجیه کند.

اصطلاح ایجاد نقاط گرم را در استراتژی های دراز مدت قدرت های استعماری نباید نادیده گرفت.

این استراتژی در افغانستان عبارت است از غارت و چپاول ذخایر زیر زمینی افغانستان، در گیر نگهداشتن روس و چین در فعالیت های تخریب کارانه ای طالب و داعش ممکن در آینده گروه های را به اسمای دیگر برای تدوام بحران به وجود بیاورند

استفاده از موقعیت سوق الجیش افغانستان به خاطر زمینگیر نگهداشتن حریفان و قدرت های اتمی که در حومه ان قرار دارند

همچنان کنترل و مدیریت عواید بلیارد دالری از کشت مواد مخدر به خاطر تمویل دهشت افگنی و مصاب سازی نیروی بشری در کشور های رقیب به شمول افغانستان که به فاجعه بشری می انجامد

اما در حال حاضر زمامداران حاکم با لاف های اغراق آمیز از جهاد و شکست روس، کشور را به پرتگاه سقوط کامل مواجه ساخته اند مردم گواه اند که امروز نه تنها مردم افغانستان بلکه همه هست و بود این سرزمین در معرض نابودی و حراج مافیای داخلی و خارجی گذاشته شده است تا همه را از بیخ و بن محو سازند.

زد و بندهای پشت پرده با طالبان و سردرگمی سیاستمداران

در جریان تیرگی روابط بین ایران و امریکا، پس از کشتن سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده پر آوازه و مقتدر رسانه یی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به دستور مستقیم داندل ترامپ، بدون مجوز کنگره امریکا، منطقه خاور میانه به طور عمدی به یک منطقه بالقوه جنگی مبدل ساخته شده است. از دیدگاه بسیاری از تحلیلگران و صاحب نظران در صورتی که جنگ بین امریکا و ایران آغاز گردد، در پهلوی ملل ایران و همسایگان آن

کشور، مردم افغانستان هم در جریان آن جنایت علیه بشریت بهای سنگینی تا حد نابودی خواهند پرداخت. جنگ ایران و امریکا موجب کشته شدن و آواره گشتن میلیون ها شهروند و ویرانی شهرها، شهرستان ها و شهرک های افغانستان خواهد شد.

در جریان انحراف اذهان عامه جهانی، به رویداد اخیر در عراق و بر مبنای شواهد انکار ناپذیر اداره ترامپ و دولت بریتانیا با بخشی بزرگی از گروه طالبان به منظور شریک ساختن آنان در دستگاه رژیم دست نشانده امریکا در کابل مرحله نهایی معامله و مذاکره در حال تکمیل شدن است، اما تنها چالش سر راه همانا توافق روی آتش بس دائمی است که طالبان هنوز حاضر به پذیرش چنین تعهدی نیستند. طالبان در ظاهر حاضر به کاهش خشونت ها شده اند، اما رژیم موجود در کابل آتش بس دائمی را شرط قبول آغاز باب مذاکرات صلح با طالبان اعلان کرده است.

اما ترامپ می خواهد با امضای توافقنامه صلح با طالبان در حضور ناظرین شورای امنیت سازمان ملل متحد، نمایندگان کشورهای همسایه افغانستان و حامیان طالبان در جهان عرب گویا دستاورد بزرگ سیاسی را در آستانه محاکمه اش ثبت اوراق تاریخ فعالیت هایش نماید. اگر طالبان حاضر به قبول آتش بس دائمی با امریکا و رژیم دستنشانده آن کشور در افغانستان گردند، این پدیده جدید می تواند تاثیرات هنگفتی به نفع ترامپ، بالای اذهان رای دهندگان امریکا، در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده آن کشور بگذارد.

پس از قتل سلیمانی اتهامات علیه ایران در قبال ناامن سازی و بی ثبات ساختن خاورمیانه از طرف اداره ترامپ، حزب جمهوری خواهان و رسانه های امریکایی شدیداً در سرتاسر جهان تبلیغ و پخش می گردد تا از این راه اذهان عامه از روند استیضاح رییس جمهور امریکا منحرف ساخته شود. همه جهان آگاه است که **رژیم ایران در طی جنگ علیه رژیم صدام حسین و سپس در جنگ علیه داعش در عراق و سوریه از مهاجرین شیعه مذهب افغانستانی مقیم آن کشور استفاده ابزاری کرده است.** یکی از اهداف منافع ملی کشورهای استعمارگر این است که جهت حفظ منافع فرامرزی و نایل شدن به اهداف خود جنگ های نیابتی را در خارج از سرزمین های خویش به راه می اندازند. هم امریکا و هم ایران، در راستای منافع فرامرزی شان، در خاورمیانه جهت پیاده کردن برنامه های راهبردی خویش به صورت مستقیم و غیر مستقیم فعالیت می کنند. امریکا جهت سلطه و سیطره بر شاهراگ های اقتصادی دول نفت خیز خاورمیانه در این منطقه حساس نیرو و پایگاه هایش را مستحکم نگهداشته است تا از این طریق در مدیریت صادرات نفت و گاز ایران و بلاد عربی خلیج پارس سهم بارزی داشته باشد. امریکا که اکنون نخستین صادر کننده نفت و گاز در سطح جهان شمرده می شود، با آن هم می کوشد صادرات نفت و گاز خاورمیانه به کشورهای هندوستان، چین، جاپان، اندونیزیا، مالزی، و دول اروپایی را با قلدربابی خویش زیر نظارت

داشته باشد. نظام موجود در ایران هم در طی چهل سال پار زیر فشارهای مخرب امریکا و متحدینش قرار دارد. ترامپ می‌کوشد تا از طریق تحریم‌های اقتصادی رژیم ایران را به زانو درآورد. ترامپ در آستانه محاکمه‌اش توسط کنگره امریکا دست به عملی ظاهراً خطرناکی زد. اما از فحواى الفاظ و از متن واکنش‌های ایران چنین بر می‌آید که در پایان این غایله ترامپ توانسته ضربه مهلکی بر پیکر نیروهای قدس و ارتش‌های نیابتی ایران در خاورمیانه بزند. امریکا تلاش دارد تا در راستای حفظ حیات سیاسی و منافع ملی اسرائیل رژیم‌های ضد صیہونستی را در سرتاسر خاورمیانه یکی پی دیگر نابود کند. اکنون تنها رژیمی که برای اسرائیلی‌ها تهدید حیاتی شمرده می‌شود و مانع تطبیق برنامه‌های امریکا در خاورمیانه است، همانا رژیم ایران و گروه‌های نیابتی آن در سطح منطقه هستند. ایران برای بقای خود، تن به تاسیس گروه‌ها و ارتش‌های نیابتی در سطح خاورمیانه داده است. حمایت راهبردی ایران از رژیم سوریه توانست پای روسیه را در خاورمیانه بکشد و این نیرنگ ایران، روسیه و امریکا را در این منطقه سوق الجیشی در تقابل با هم قرار داده است.

اما کشتن قاسم سلیمانی توسط ترامپ موجب خشم شیعیان طرفدار رژیم ایران در سرتاسر خاورمیانه شده و ایران هدفی کمتر از خروج نیروهای امریکایی از خاورمیانه را روی دست نگرفته است. تهدیدهای تحریم‌های سنگین توسط ترامپ علیه رژیم‌های عراق و ایران در دراز مدت پیامدهای ناگوار و سنگینی برای امریکا خواهد داشت، چون گروه‌های دهشت افکن داعش و مخالفان رژیم‌های عراق و سوریه موازی با ارتش‌های نیابتی ایران در خاورمیانه سعی می‌کنند جرقه‌های یک جنگ خونین و سنگین بین ایران و امریکا را در خاورمیانه آغاز کنند. جنگ بین ایران و امریکا به نفع جهان عرب، ایران و حتی اسرائیل نیست، اما برنده ظاهری آن جنگ سرنوشت ساز فقط دهشت افکنان مسلمان نما، عیسویان و صیہونیست‌های تندرو خواهند بود.

در چنین شرایط حاد در خاورمیانه انکشافات سریع و غیرعادی اوضاع به نفع ملل منطقه نیست. استفاده ابزاری امریکا، پاکستان، ایران، روسیه، چین و رژیم‌های قطر و عربستان سعودی از طالبان در کشمکش‌های رقابت‌های جاری در خاورمیانه و افغانستان مایه نگرانی همه مردم صلح دوست و عدالتخواه جهان شده است. اگر واقعاً روابط طالبان با کشورهای نامبرده به همین منوال ادامه یابد، ما در سیاست کشورهای همجوار افغانستان و واکنش‌های منطقوی و جهانی در قبال معامله با دهشت افکنان شاهد تغییرات گزین خواهیم بود. همسویی و مخالفت‌های تازه با گروه طالبان و در مجموع با حامیان و مخالفان شان پس از امضای توافق نامه بین امریکا و آنان تغییر خواهد کرد، و موجب ظهور گروه‌ها، ایتلاف‌ها و جبهات جدید جنگ در افغانستان گردد.

روشن است که بعد از پیدایش طالبان در پاکستان، عملکرد و برنامه های این گروه دهشت افکن مستقیماً زیر نظارت آی اس آی طرح و تعمیم می شد. در زمان اقامت احزاب جهادی در پاکستان و ایران زیر نظارت استخبارات آن کشورها به مثابه ی بازیگران اصلی جنگ علیه رژیم های تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی وقت در افغانستان فعالیت می نمودند. بیشتر آن احزاب و گروه های جهادی ناگزیر بودند تا از برنامه های تخریبی حامیان منطقوی و بین المللی خویش علیه رژیم های زیر حمایت کرملین در افغانستان اطاعت کنند. **یکی از اهداف امریکا تحت مدیریت ویلیم جوزف کیسی برنامه ترویج زرع، تولید و فروش مواد مخدر توسط مخالفین رژیم های چپی در افغانستان بود تا آنان بتوانند از عاید به دست آمده از فروش مواد مخدر جبهات جنگ حزب اسلامی حکمتیار، محاذ ملی اسلامی افغانستان، جبهه ملی نجات افغانستان، حرکت انقلاب اسلامی افغانستان، و حتی جبهات مناطق جنوبی و بعضی از جبهات مناطق شمالی مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان را تمویل مالی کنند.**

پس از خروج ارتش سرخ و سرنگونی رژیم داکتر نجیب در افغانستان و روی کار آمدن دولت اسلامی افغانستان، ما شاهد آغاز فصل نوین جنگ های تحمیلی پاکستان و امریکا در افغانستان بودیم. به باور برخی از صاحب نظران دول غربی موازی با روسیه، ایران، پاکستان، چین، هند، ترکیه و عربستان سعودی نمی خواستند که دولت اسلامی افغانستان تحت ریاست برهان الدین ربانی زعامت افغانستان را بر عهده داشته باشد و الگوی از مجاهدت ها و مبارزات آزادیخواهانه برای ملل مسلمان در بند استعمارگران نظم نوین گردد. از همین رو آی اس آی به نیات از سی آی آی از طریق حزب اسلامی حکمتیار و سپس تشکیل شورای هماهنگی، با راه اندازی جنگ های تحمیلی فرسایشی، دم از روزگار دولت مجاهدین برآورد و بلاخره زمینه را برای ورود گروه طالبان در افغانستان فراهم ساخت. پس از روی کار آوردن گروه طالبان، پاکستان باز هم به همان شیوه گذشته برنامه های تخریبی خود را بر ضد حکومت مجاهدین ادامه داد. شواهد حاکی از آن است که پاکستان همواره و پیوسته، بنابر شرایط خاص گروه های دست پرورده آی اس آی را بیشتر در ترکیب سرکردگی دهشت افکنان تجهیز، تسلیح و پشتیبانی می کرد که مزدور، خود فروخته، مطیع و گوش به فرمان آن کشور بودند. این سیاست و برنامه راهبردی پاکستان در قبال افغانستان هنوز هم به قوت خود باقی است. با نظر داشت همین سیاست راهبردی استخبارات پاکستان، گروه های دهشت افکن را از زمان جهاد علیه رژیم های چپی افغانستان و ارتش سرخ متجاوز شوروی در تفاهم و هدایت مستقیم کشورهای غربی در رأس بریتانیا، ایالات متحده امریکا و عربستان بازنگری کرده و مطابق منافع خود در افغانستان در ترکیب و تشکیل شان تغییرات لازم را رونما ساخته است.

پس از اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدینش، جنگ های خونین دیگر در این کشور موجب تحمیل تلفات جانی و خسارات مالی بالای مردم افغانستان گشت. اما در طی نوزده سال پار، تعدادی از گروه های طالبان به نیات شوم نظامیگران پاکستان پی بردند، و در صدد رهایی از حیطه ی سلطه و سیطره ای اس آی پرچم نافرمانی برافراشتند، و در ظاهر با استقلال عمل علیه اشغالگران امریکایی و رژیم دستنشانده جان کری در کابل به ادامه جنگ پرداختند. اما شواهدی انکار ناپذیری در دست است که این طالبان در طی سالیان ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۴ توسط امریکا از طریق رژیم حامد کرزی حق السکوت دریافت می کردند. همین که حکومت وحدت ملی روی کار آمد، اشرف غنی از پرداخت حق السکوت به این گروه از طالبان سرباز زد و این تصمیم غنی موجب آغاز جنگ های سنگین بین طالبان و رژیم کابل شد. اما این گروه ها در ظاهر مستقل طالبان بخشی از دهشت افکنانی هستند که در طی چهار سال گذشته با ایران و روسیه سازش کرده اند و در کنار سپاه قدس و جیش الفاطمیون در جنگ های عراق و سوریه علیه داعش سهم گرفته اند.

استفاده از گروه طالبان علیه داعش در سوریه با ژرف نگری ویژه و دسترسی به اطلاعات وسیع نگارش یافته که محتویات آن گزارش ها عمیق و همه جانبه است، و نه باید از بررسی آن اطلاعات موثق سطحی گذشت. اراکین رژیم موجود در کابل، به اصطلاح نخبگان سیاسی موجود در افغانستان، باید نقش و ارتباط طالبان با ایران را نادیده نگیرند، و رد پای اس آی، بریتانیا و عربستان سعودی را در این بازی مهلک نقشه یابی کنند تا در مسیر روند گویا صلح بین امریکا و طالبان نظام موجود سرنگون نشود، و همه مردم اسیر بند امارات اسلامی طالبان با حمایت امریکا و دول عضو ناتو نگردند. اگر این بار طالبان پس از پایان جنگ با امریکا و ناتو بالای سرنوشت افغانستان حاکم شوند، دیگر راهی برای مقاومت مسلحانه علیه این گروه دهشت افکن مکار در سطح داخلی و منطقوی وجود نخواهد داشت، چون امریکا، بریتانیا، دول عضو اتحادیه اروپا، چین، امریکا، دول اسلامی و سازمان ملل متحد با به رسمیت شناختن طالبان همه راه های مقاومت علیه حاکمیت آنان را می بندند. هند به تنهایی خود نمی تواند تمویل کننده یک مقاومت موثر از بین این همه احزاب و گروه های پراکنده در افغانستان علیه طالبان گردد. اکثر رهبران جهادی و سران احزاب سیاسی موجود در افغانستان پا به سن مانده اند و حاضر نیستند ثروت ها و سرمایه های باد آورده خود را در مسیر یک جنگ طولانی مصرف کنند. سیاست، رهبری احزاب، ثروت و قدرت در افغانستان خاندانی شده و بیشتر آقا زاده های رهبران و سران سیاسی افغانستان اهل جنگ و مبارزه مسلحانه علیه طالبان نیستند. پاکستان آگاه است که امریکا در طی نوزده سال پار چه روز سیه بالای نسل جوان افغانستان آورده است. نسل جوان افغانستان حاضر به جنگ با هیچ گروهی نیست، چون این نسل نمی خواهد بازیچه دست اشغالگران و دهشت افکنان و

مخالفان منفع طلب آنان گردند. اگر بین ایران و امریکا هم جنگی در سطح منطقه در گیرد، نسل جوان افغانستان قربانی اصلی این پدیده سوم خواهد شد. اکثر مردم افغانستان با عدم اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری این کشور مخالفت خود را با حضور امریکا، رژیم دست نشانده اشغالگران کشور ابراز کردند. عدم اشتراک اکثریت قاطع مردم در آخرین انتخابات ریاست جمهوری به معنی حمایت آنان از طالبان یا مذاکرات نام نهاد صلح بین امریکا و آن گروه دهشت افگن نیست. مردم منتظر یک تحول بنیادین در سطح کشور هستند. اما مردم به رهبران جهادی و سیاسی کنونی هم هیچ باور و امیدی جهت نجات کشور و ملت ندارند، مگر این که طالبان کاری کنند که خشم امریکا و غربی ها را برافرازد و موجب تشکیل یک جبهه نوین جنگ به سرکردگی سی آی ای علیه طالبان در افغانستان گردد. این پدیده شاید باعث شود تا نسل جوان برای نجات کشور و مردم مستقلانه تحت یک رهبری جدید قیام کند.

باید تاکید کرد که مبصرین و تحلیل گران نه باید تنها با ذکر "جنگ افغانستان بسیار پیچیده و استخباراتی است" اکتفا نمایند. پیچیدگی جنگ تحمیلی بالای افغانستان مستلزم مو شگافی و اتخاذ تدابیر سیاسی، نظامی و راهبردی است که در بازنگری با توجه به جهت گیری های عناصر دهشت افگن و حامیان شان می باید طرح و تدوین شود. امید به رهبری سالم مردم توسط رهبران بی کفایت کنونی خیال، محال و جنون پنداشته می شود. از رهبران کنونی هیچ ابتکار ملی را نمی توان انتظار داشت. بیشتر رهبران احزاب افراد فاسد و مادیکرا هستند که منافع خانوادگی خویش را بر منافع ملی کشور ترجیح داده اند و گام به گام در راستای منافع دشمنان کشور و ملت افغانستان پرسه می زنند. انکشافات اوضاع روز تا روز بنا بر مداخلات و تقابل نیروهای خارجی رقیب در منطقه و فرامنطقه، به خصوص در افغانستان، ابعاد گوناگون و خطرناک به خود گرفته می رود و از این رو می توان پیشبینی کرد که آغاز جنگ بین امریکا و ایران می تواند موجب تجزیه افغانستان هم گردد.

اما پاکستان تلاش دارد تا روند نهادینه ساختن مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان را به نحوی تا پایان غایله استیضاح ترامپ به درازا بکشد، چون اگر ترامپ از قدرت برکنار ساخته شود، در آن صورت پاکستان می تواند با اداره جدید امریکا بالای افغانستان بهتر از پیش معامله کند. هم جمهوری خواهان و هم دموکرات ها در امریکا به اهمیت سوق الجیشی پاکستان نسبت به افغانستان اهمیت زیاد قایل هستند. پاکستان می تواند بهترین مرکز فعالیت های سی آی ای و نیروهای دریایی امریکا در سطح منطقه باشد. امروزه افغانستان اهمیت موقوف راهبردی گذشته خویش را از آن رو از دست داده است که در جنگ های مدرن نیاز به لشکرکشی های پر هزینه برای تسلط بالای افغانستان نیازی نیست. برای امریکا پاکستان نسبت به افغانستان از اهمیت ویژه برخوردار است، چون پاکستان دوست دیرینه امریکا است

و بیش از پنجاه و هفت سال است که سی‌ای‌ای در بلوچستان پاکستان پایگاه‌های جاسوسی دارد. اما پاکستان می‌داند که با بروز جنگ بین امریکا و ایران، حاکمیت طالبان بالای افغانستان امکان‌پذیر نیست، چون سپاه قدس و لشکر فاطمیون و طالبانی تحت مدیریت سپاه پاسداران ایران می‌توانند با همدستی احزاب حامی آن کشور دم از روزگار طالبان بکشند. هم‌اکنون فعالیت‌های تخریبی سپاه قدس از طریق نیابتی‌های آن در حوزه جنوب غرب افغانستان علیه حضور امریکایی‌ها در میدان‌های هوایی سزوار/ شنند و قندهار آغاز شده است.

تشدید درگیری نظامی، رقابت‌های سیاسی و زد و بندهای که با گذشت هر روز در منطقه خاورمیانه و به ویژه در خلیج پارس شکل می‌گیرد در روند تشکل ائتلافات و توافقات میان روسیه، سوریه، ایران و پاکستان از یک طرف، و همکاری روسیه، چین و پاکستان از سوی دیگر بی‌تاثیر نیست.

فقدان طرح و برنامه‌های راهبردی در سطح رهبری رژیم موجود در افغانستان، و حضور فعال حامیان طالبان و حزب اسلامی حکمتیار در داخل نظام، نیروهای دفاعی، امنیتی و استخباراتی افغانستان را روز تا روز در مهار کردن فعالیت‌های دهشت افکنان عاجز و ناتوان ساخته است. حضور جاسوس‌های پاکستان در رده‌های بالای وزارت‌های داخله و دفاع و ریاست امنیت ملی افغانستان مردم را در مسیر یک مرگ تدریجی و جمعی مواجه ساخته است. به همین دلیل پاکستان به مثابه تخته خیز تجاوز و دهشت افگنی در افغانستان قادر شده تا در هر زمان گوی سبقت را در عرصه‌ی سیاسی و نظامی در راستای توجیه مداخلاتش در امور کشوری و لشکری افغانستان و در معادلات چند بعدی برای بسیج گروه‌های طالبان علیه داعش از ارگنشینان کابل برآید. ادامه‌ی وضع کنونی موجب نگرانی شهروندان افغانستان در داخل و خارج کشور گردیده و نحوه برخورد با دهشت افکنان و سکوت در برابر صلح بین امریکا و طالبان پرسش برانگیز است.

چند نقطه را در مورد این بازی‌ها و زدها نه باید نادیده انگاشت که بر پیچیدگی اوضاع افزوده است:

- **کشورهای همسایه ما طور عموم به حضور نظامی امریکا در افغانستان خرسند نیستند؛**
- **پاکستان، روسیه، چین و ایران حضور امریکا در افغانستان را مغایر با منافع دراز مدت خویش می‌پندارند؛**
- **هند به خاطر کاهش نفوذ پاکستان و چین به حضور نظامی امریکا در افغانستان مخالفت علنی ندارد. اما دولت هند قرار معلوم با طالبان ضد دولت پاکستان به خاطر**

مساله کشمیر همکاری دارد و کوشش می کند پاکستان را در نظر امریکا به کشور حامی و مولد دهشت افگنی تجرید کند؛ و

• **عدم موجودیت حزب نیرومند ملی و غیر وابسته به شبکه های استخبارات خارجی معضل عمده ی سر راه تعیین سرنوشت افغانستان توسط نمایندگان واقعی ملت است.**

تداوم دهشت افگنی در افغانستان زمینه دوام نا آرامی را در کشور های آسیای میانه، روسیه و چین مساعد می سازد تا این کشور ها در آینده در عرصه اقتصادی و سیاسی توان رقابت با امریکا و متحدینش را از دست بدهند. اما ترامپ موازی با این سیاست می خواهد هزینه پنجاه و چهار بلیارد دالری جنگ افغانستان را از طریق توافق صلح مشروط با طالبان به ده درصد کل مصارف این جنگ جاری کاهش دهد. ترامپ می خواهد امریکا با داشتن سه پایگاه نظامی در کابل، فراه و قندهار به فعالیت های جاسوسی و نظامی اش در سطح منطقه اکتفا کند. همچنان حضور امریکا در افغانستان زمینه ساز مدیریت موثرتر عواید بلیارد دالری کشت مواد مخدر توسط سی آی ای به خاطر تمویل دهشت افگنی و مصاب سازی نیروی بشری در افغانستان و به ویژه در کشورهای رقیب به فاجعه بشری می گردد. و عراق نیست. از همین رو ایران می کشود مانع صلح بین امریکا و طالبان گردد. پاکستان هم خوب می داند که طالبان نمی تواند بدون حمایت و توافق ایران بالای افغانستان حکومت کنند. اگر پاکستان و ایران بالای عبور لوله گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران به پاکستان به توافق رسیده باشند یا به توافق برسند، در آن صورت امکان دارد طالبان برای چند سالی تحت مدیریت سی آی ای بالای افغانستان حکمرانند. اما کشته شدن قاسم سلیمانی برای ایران یک بحث حیثیتی شده است. ایران اگر نتواند نیروهای امریکایی را از خاورمیانه و ایران بیرون راند، در آن صورت رژیم موجود در آن کشور بین حامیان منطقوی خویش بی اعتبار و بی حیثیت می گردد. آغاز جنگ ایران و امریکا بستگی به نتایج استیضاح ترامپ دارد. اگر ترامپ در طی محاکمه اش درک کند که از قدرت کنار زده می شود، در آن صورت جهت اغفال مردم امریکا تن به قمار قدرت می دهد و بالای ایران حمله خواهد کرد. این جا است که ملیون ها انسان در ایران و کشورهای همجورش قربانی یک جنگ تحمیلی جانکاه دیگر خواهند شد. **برای ترامپ حفظ قدرت مهم است، نه جان و حیات مردم افغانستان، ایران یا کشور های خاورمیانه.**

فاتح سامع سابق ویرایشگر (Editor) روزنامه کابل تایمز (Kabul Times Daily) و اکنون مترجمی شفایی و کتبی حرفوی و دارنده جواز ترجمه رسمی و قابل اعتبار و تصدیق شده از ناتی (NAATI Accredited and Certified Professional) و عضو هیئت تحریر تارنگار وزین آریایی (www.ariaye.com) و گزارش گر آزاد (Freelance Journalist).